

# برای ... (۱)

پیر محمد احمد آبادی

دیدی ، دلا ، که یار نیامد ؟  
گرد آمد و ... سوار نیامد  
بگداخت شمع و سوخت سرپای  
وان صبح زرنگار نیامد  
آراستیم خانه و خوان را  
و آن حنیف نامدار ، نیامد  
دل را و شوق را و توان را  
غم خورد و غمگسار ، نیامد  
آن کاخ ها ، ز پایه فرو ریخت  
وان کرده ها ، به کار نیامد  
سوزد دلم به رنج و شکایت  
ای باغبان ، بهار نیامد  
بشکفت بس شکوفه و پژمرد  
اما ، گلی ، به بار نیامد  
خوشید چشم چشمه و دیگر  
آبی به جویبار ، نیامد  
ای شیر پیر بسته به زنجیر  
کز بندت ایچ عار نیامد  
سودت حصار ، و پیک نجاتی  
سوی تو ، وان حصار نیامد  
زی تشنه کشتگاه نجیب  
جز ابر زهر بار نیامد  
یکی از آن قوافل بر پا ...  
... روان گهر نثار ، نیامد  
ای نادر نوا در ایام  
کت فروبخت ، یار نیامد  
دیری گذشت و چون تو دلبری  
در صف کارزار ، نیامد  
افسوس ، کان سفاین حری  
زی ساحل قرار ، نیامد  
و آن رنج بی حساب تو ، دردا

چون هیچ ، در شمار نیامد  
وز سُفله یاوران تو در جنگ  
کاری به جز فرار نیامد  
می دانم و دلت که غمان چند  
آمد ، ور آشکار نیامد  
چندان که غم به جان تو بارید  
باران به کوهسار نیامد ...

۱ - این شعر را **مهدی اخوان ثالث** در باره دکتر محمد مصدق سرود . در زمان سلطنت محمد رضا شاه پهلوی ، همچون دوران کنونی در جمهوری اسلامی ، **خط قرمز** وجود داشت تمام فعالین سیاسی - اجتماعی از جمله روحانیت غیر درباری ( که بخشی از آن حضرات روحانی ، امروز بنام " روحانیت دولتی " بر اریکه قدرت سوار هستند ) مجبور بودند در باره بسیاری از مسائل سیاسی - اجتماعی ، تاریخی و حتی از بردن نام بعضی از شخصیت های سیاسی همچون دکتر مصدق سکوت اختیار کنند و چیزی در مورد آنها بزبان نیاورند .

**بردن نام دکتر محمد مصدق در دوران محمد رضا شاه پهلوی جرم بود .**  
در دوران سلطنت محمد رضا شاه پهلوی ، نه تنها اجازه داده نشد تا دکتر مصدق را ، بنا بر وصیتی که کرده بود ، در آرامگاه شهدای قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ - ، به خاک سپارند ، حتی به خانواده و یاران سیاسی آن راد مرد بزرگ تاریخ ایران ، اجازه ندادند تا بر پایه سنتی که در ایران متداول است ، مجلس ترحیمی در مسجد و یا جلسه ی یادبودی در منزل برگزار کنند . در چنان فضای سیاسی بود که **مهدی اخوان ثالث** ، از درج نام خود بر عنوان شعری که برای مصدق سروده بود ، خود داری می کند و نامی از مصدق نیز نمی برد و چنین وانمود می کند که گویا شاعری با نام پیر محمد احمد آبادی ، آن شعر را سروده است .  
در واقع عنوان شعر "**برای پیر محمد احمد آبادی**" است .  
پیر محمد همان دکتر محمد مصدق بود و احمد آباد همان دهکده ای بود که سال ها رهبر نهضت ملی ایران در دوران سلطنت رضاشاه و محمد رضاشاه در آنجا در تبعید بسر برد .

هیئت تحریریه نشریه اینترنتی " جنبش سوسیالیستی "

۱۴ اسفند ۱۳۸۲

[Socialistha@ois-iran.com](mailto:Socialistha@ois-iran.com)

[www.ois-iran.com](http://www.ois-iran.com)